

افغانشناسی در شوروی

اخیراً رساله بی بنام (افغانشناسی در شوروی) شامل چند مقاله علمی و تحقیقی بقلم چارتن از دانشمندان کشور دوست و همسایه ما اتحاد جماهیر شوروی تحت نظارت محرر عمومی آن نیکولای دوریانکوف در آن کشور در ۹۶ صفحه بطبع رسیده است . بناغلی دوریانکوف دانشمند اتحاد شوروی که عهده دار تحکیم دوستی دو کشور افغانستان و اتحاد جماهیر شوروی استند بالای این رساله قشنگ و دلخواه دیباچان در چهار صفحه پر شده تحریر کرده اند . ایشان در طی این مقدمه امید کرده اند که روابط هر دو کشور صمیمانه تر از پیش گردد و مقصد انتشار آن را هم بهتر ساختن وضع شناسایی و در حقیقت میدان کشیدن حقیقت شناسایی دو کشور که از شناختن نا شناختن فرق بسیار است ، قرار داده اند . ما زین جهت دوستان شوروی و خاصه از طبقه نویسندگان آن که وسيله ابلاغ تمنیات بلی آلابش اقوام خود اند از ته دل اظهار سپاسگزاری میکنیم .

گفتیم از شناختن نا شناختن فرق است . بلی ایشان در خلال این رساله اهمیت شرق شناسی و افغانشناسی را روشن کرده و انگهی تفاوت شرق شناسان و افغانشناسان شوروی را در کنار شرق شناسان و افغانشناسان امپریالیستی مورد مقایسه قرار داده اند . بالاخره چنین نتیجه گرفته اند که سابق افغانشناسی یا شناسایی ملل مشرق زمین از جانب بیگانگان سودجو و مغرض و بیروان مدرسه‌ها پر با ایزم جز همان اغراض و مطامع بخصوص نیست که او را ق تاریخی شاهد آن و گواه تجاوزات مکرر ایشان بر عزت و آبروی ملل دیگر همواره بوده است . تحقیقات شرق شناسان و افغانشناسان روسی و خاصه جهت افغانشناسان شوروی ، در چهل سال اخیر ، درین رساله اجمالاً

گردآوری شده و آنرا گامی در راه ترقی و استحکام مزید جوالب دوستی دو کشور و واسطه ای برای احترام گزاری با هم بیشتر متقابل و معرفت به افتخارات و غرور ملی و رعایت اصل همزیستی مسالمت آمیز، خوانده اند.

البته باید گفت این رساله شامل چهار مقاله: مقاله اول (تحقیقات درباره تاریخ افغانستان در اتحاد شوروی) بقلم رومان اخرا مو و بیچ است که مشارالیه برای انجام دادن آن تحقیقات خود دوبار بکابل رحل اقامت افگندند. مقاله دوم از (ناوم گوریو بیچ) درباره مسایل اقتصادی و مقاله سوم از (لیدیا دوو و فیووا) بنام (آموختن زبانهای افغانستان در اتحاد شوروی) است و مقاله چهارم بقلم (گیورگی گیرس) در باره زبانهای پشتو و فارسی در افغانستان میباشد.

نویسنده محترم رومان اخرا مو و بیچ دو طی تحقیقات دلکشی که درباره وطن عزیز ما افغانستان و تحت عنوان (تحقیقات درباره تاریخ افغانستان در اتحاد شوروی) نشر کرده اند افغانستانی شوروی را در حقیقت شامل دو بخش دانسته اند: یکی آن تحقیقاتی که در قبل از انقلاب شوروی یعنی در خلال قرون هجده و نوزده در آن کشور صورت گرفت. نویسندگان زبده این دوره در زمینه مذکور نخست دانشمندی روسی بنام (دوران) بوده که راجع به وقایع قرون وسطی از منابع اورینتال شرقی استفاده می کرده و دی-گر-گری-گوریتف (۱۸۱۶-۱۸۸۱) بوده که اثری بنام (کاباستان و کافرستان) نوشت و هم استشرق و سیاح روسی، خانیسکوف (۱۸۲۲-۱۸۷۸) و عالم قرون ۱۹-۲۰ روسیه، ارستوف را یاد باید کرد که همه در طی یادداشتهای خود مجاهدات اقوام افغانستان را در راه حفظ آزادی خود در برابر امپریا لیسم انگلستان ذکر و یاد کرده اند. درین میان آنانی را که نباید فراموش کرد عالم بزرگوار روس؛ مینایوف و دانشمندان شهیر، بارتولد و یاورسکی اند.

اما پس از احداث دولت روسیه شوروی کار تحقیقات شرقشناسی و از جمله افغانستانی روش علمی و منظمی را اختیار نمود. فی المثل ازین پس افغانستانی شوروی در جستجوی معلوم کردن اساسانی شدند که افغانها و سایر ملل شرق نظریه

آنها در پی حصول آزادی یا حفظ آن افنادند، یا خراستند بفهمند که ایشان نظر بچه عوامل و انگیزه‌ها در برابر خار جیان نفع‌جو این همه عکس‌العمل و تلاش و جانفشانی نشان داده‌اند. با اینکه مستعمره جو پان روی چه اغراضی از تجاوز بر مال و ملک دیگران دست نمی‌گرفتند. اینست که درین دوره سعی دانشمندان شوروی بیشتر متوجه فهم ممیزات اجتماعی و غرایز ملی افغانان بوده است. چنانکه اثری بهمین منظور بنام (افغانستان) در ۱۹۲۳ توسط دسته‌ای از دانشمندان روسی تهیه شد و آثار دیگری نیز روی هد ف مد کور توسط علمای دیگر بوجود آمد که مناسبات افغانستان را بادولتهای مجاور موضوع بحث قرار میدهد.

گذشته ازین عالمان شوروی یکعده آثار دیگر هم روی موضوعات فلکلور بخش‌های مختلف کشور همچون پنجشیر و غیره نوشته‌اند و از مطالب دیگری که توجه نویسندگان شوروی را جلب کرده و از قلم ایشان دور نمانده عوامل خانه جنگی و آشوب در افغانستان بوده که نظر بدسایس خار جیان صورت گرفت از قبیل: مبارزه در افغانستان اثر لورینوس، حوادث افغانستان اثر ارشیت و دو مقاله بنام اسباب اقتصادی اغواء در افغانستان بقلم ریسنرو مقاله گور یویچ در موضوع وقایع اخیر در افغانستان و بسیار دیگر که از ترس اطباب ذکر نشد.

بدین صورت میتوان گفت افغانشناسان شوروی در مرحله اول گویا بفراهم آوری اسناد راجع بکشور ما پرداخته و در مرحله دوم همان اسناد و مدارک را تصنیف و تدوین نموده و معلومات تازه نیز بر آنها افزوده‌اند. همچنین عده دیگری از فضلاى شوروی موقف بین المللی سابقه ما را موضوع بحث ساخته‌اند که دران بین از (گوبر) مترجم (تاریخ افغانستان) بقلم سرپرستی سایکس باضافه تعالیقات خودش و نیز از شتین برگگ و غیره یاد باید کرد.

بابا خواجه یف که دو سال پیش بسکابل تشریف داشتند اثر جامعی بنام (مجا ربه آزادی بخشای مردم افغانستان) نوشته‌اند و نیز از دانشمندان شوروی بنام‌های سو کوارف و احمد جان اف و غیره درین زمره یاد باید کرد.

بدین طریق دیده می‌شود که هر روز گام‌های بلندی برای استحکام و متین ساختن روابط حسن همجواری دو کشور بر داشته می‌شود در شهرهای مهم اتحاد شوروی

کتابخانه های مهمی مشتمل بر آثار قلمی راجع به افغانستان تأسیس می شود و سعی می شود که آثار قلمی راجع به کشور ما را هر چه زودتر بچاپ رسانند .
البته آنچه لگاشته آمد خلاصه بی از کارهای علمی دانشمندان شوروی در زمینه و شناسایی افغانستان است ولی این مقدار باز هم برای معرفت واقعی چنین کشوری کافی نیست بنابراین برای رفع این نقیصه همه آره بذل توجه می شود . ترجمه تاریخ (افغانستان در قرن نوزده) اثر رشتیا رئیس سابقه ریاست مستقل مطبوعات افغانستان گام کلا نی بهمین منظور یعنی پایدار ساختن علائق نیک دو کشور خواهد بود .

مقاله دیگر این رساله بقم عالم شوروی ، ل ، دور و فیوا در باره (آموختن زبانهای افغانستان در اتحاد شوروی) است . نویسنده در طی آن تحقیقات دلکشی در باره زبانهای پشتو و فارسی و لهجه های مختلف کشورها و در پیرامون صرف و نحو آنها با فهرست مفصل کسانیکه درین زمینه ها ، در گذشته و حال ، همچنین راجع به فارسی کابلی ، هراتی ، پنجشیری و جز آنها کار کرده اند بعمل آورده . نویسنده امید میکند که داستان زبانهای افغانستان به کارکنان علمی شوروی مجال و فرصت بخشد که برای استوار ساختن رشته های مؤدت و دوستی دو کشور معلومات مفید تر فراهم گردانند .

مقاله دیگر این رساله بقلم بناغلی گپرس در باره (آموختن ادبیات افغانستان) در اتحاد شوروی) است که تحقیقات شان منحصر آ راجع به زبان پشتو است ایشان باری بدین منظور سفری به افغانستان کردند . در طی تحقیقات مشروح خود از خدمات علمی شورویان درین راه یاد کرده اند . از سوی دیگر فلک لار افغانی را مطرح بحث قرار داد . و آنرا چنانکه هست ، خیلی غنی و پرمایه خوانده اند در ضمن از بکعبده داستانهای بز می و رزمی پشتو نام گرفته اند که البته انتشار آنها این موضوع را دلچسپ تر خواهد ساخت . از ادبیات معاصر پشتو و مسأله مؤسس نثر بدیعی پشتو که بعقیده بعضی منشی احمد جان بوده و از شعر معاصر پشتو و نویسندگان و شعرای این دوره بحث اجمالی بعمل آمده است . ختم